



دکتر سید جعفر حسینی

خون ناسازبانک در رگ‌های تولید

نگاهی به نارسایی‌های سیستم مالی برای پیاده سازی اقتصاد مقاومتی



نایب شریان‌های پولی در کالبد اقتصاد

اگر نظام اقتصادی يك جامعه را به بدن انسان تشبیه کنیم بی شك نظام پولی و مالی نقش جریان خون آن بدن را بازی خواهد کرد که هر گونه اختلال در فرآیند خون‌رسانی آن، سبب آسیب دیدن یکی از اندام‌های اساسی بدن خواهد شد. این تشبیه ساده به خوبی رابطه بانک با حوزه تولید کشور به ویژه تولیدات صنعتی و کشاورزی را مشخص می کند. به عبارت بهتر همان طور که جریان خون‌رسانی در بدن انسان در کارکرد مناسب و به موقع اندام‌های حیاتی بدن نظیر قلب یا مغز از اهمیت زیادی برخوردار است، نظام پولی و مالی نیز در يك سیستم اقتصادی در کارکرد مناسب و به موقع بخش‌های زیرنظام‌های دیگر يك سیستم اقتصادی از همین اهمیت برخوردار خواهد بود و همان گونه که هر گونه قصور و اختلال در خون‌رسانی به این اندام‌های حیاتی می‌تواند ادامه فعالیت آن‌ها را متوقف یا باخلل جدی مواجه سازد، اختلال در سیستم پولی و مالی نیز به مثابه ترمزی برای حرکت يك سیستم اقتصادی عمل خواهد کرد. بر همین اساس است که هیچ‌گاه در دنیا آثار و تبعات بحران‌های مالی نظیر بحران مالی سال ۲۰۰۸ و یا بحران مالی دهه ۱۹۳۰ در کشور‌های صنعتی با بحران‌های دیگر قابل مقایسه نیستند. در این میان بانک به عنوان مهم‌ترین فناوری اجتماعی شکل گرفته در سیستم پولی و مالی جهان مدرن، مهم‌ترین نهاد خون‌رسان در سیستم‌های پولی و مالی امروزی است که کارکرد در دست آن به راحتی خواهد توانست دیگر حوزه‌های اقتصاد از جمله حوزه‌های مرتبط با تولیدات صنعتی و کشاورزی را متحول سازد و از سوی دیگر نیز قصور و ضعف در این سازمان اجتماعی نیز به هیچ عنوان با ضعف دیگر سازمان‌ها یا فناوری‌های اجتماعی قابل مقایسه نخواهد بود. بنابراین پر بیراه نخواهد بود که بانک را یکی از مهم‌ترین یا حتی مهم‌ترین فناوری اجتماعی برآمده از دنیای مدرن بنامیم که سهم قابل توجهی در شکل‌دهی تمدن مدرن در تمامی حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر عهده داشته است. به طور مثال اهمیت بانک در حوزه سلامت به همان اندازه مهم است

که نهاد اجتماعی نظیر بیمارستان از اهمیت برخوردار است اما اهمیت بیمارستان در حوزه تولیدات صنعتی هیچ‌گاه به اندازه اهمیت بانک نخواهد بود. یا ارتباط بانک با حوزه تولیدات صنعتی و کارخانه‌ای هیچگاه به اهمیت ارتباط رسانه‌ها با حوزه این نوع از تولیدات نخواهد بود. اما بی شك ارتباط بانک با حوزه رسانه به اندازه ارتباط صنعت کاغذ با حوزه رسانه مهم خواهد بود.

اثر بخشی در حوزه تولیدهای صنعتی و کشاورزی با عملکرد مناسب سیستم بانکی

حال سؤال اساسی این است که چه عاملی باعث عملکرد درست بانک و در نتیجه اثر بخشی مناسب آن بر تمامی حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی به ویژه حوزه تولیدات صنعتی و کشاورزی خواهد شد؟ جواب این سؤال را باید در نهادها یا قواعدی جست و جو کرد که مشخص‌کننده فعالیت‌های مجاز، غیرمجاز و یا ضروری هر سازمان اجتماعی از جمله بانک است. به عبارت بهتر این قواعد و نهادها همان درک مشترک افراد حاضر در هر حوزه اقتصادی نسبت به فعالیت‌های مجاز، غیرمجاز و یا واجبی است که عموماً در مجموعه قوانین، آیین‌نامه‌ها، مقررات، دستورالعمل‌ها و یا حتی هنجارها و عادات غیررسمی حاکم بر آن حوزه متبلور است و از مقبولیت و الزام‌آوری لازم نیز برخوردار است. بنابراین با توجه به اهمیت بانک‌ها در حوزه پولی و مالی می‌توان یکی از ریشه‌های اصلی کارآمدی یا ناکارآمدی حوزه تولیدات صنعتی و کشاورزی کشور را قواعد و نهاد‌های حاکم بر بانک‌ها دانست. بر همین اساس در يك سیستم پولی و بانکی، بانک مرکزی به عنوان اصلی‌ترین سازمان قانون‌گذار از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و با توجه به آنچه گفته شد به جرأت می‌توان بیان کرد که ریشه ناکارآمدی‌های هر سیستم پولی و مالی را ابتدا باید در بانک مرکزی آن کشور جست و جو کرد. زیرا با قوانین و مقررات مصوب این بانک، ناکارآمد هستند و یا این بانک نقشی در قانون‌گذاری و ایجاد گفتمان حاکم بر فعالیت‌های پولی و مالی در يك سیستم اقتصادی ندارد. لذا صرف وجود خارجی سازمان اجتماعی به نام بانک مرکزی

هیچگاه نخواهد توانست کارکردهای متصور برای این سازمان اجتماعی را در يك سیستم اقتصادی به ارمغان آورد. به عبارت بهتر زمانی بانک مرکزی حقیقتاً وجود خارجی خواهد داشت که فعالیت‌های مجاز، غیرمجاز و یا واجبی که باعث کارکرد مناسب نظام پولی و مالی و در نتیجه عملکرد مناسب بخش‌های مختلف اقتصاد يك کشور از جمله بخش تولید می‌شود توسط این سازمان اجتماعی شکل بگیرد. باید توجه داشت که با گسترش ابزارهای پولی و مالی نظیر انواع برات‌ها، اعتبارات اسنادی، اسناد تجاری و نظایر آن‌ها طی سالیان اخیر و به ویژه پس از افزایش نقش فناوری اطلاعات در سیستم‌های پولی، از يك طرف این قاعده‌گذاری‌ها پیچیده‌تر شده است و از طرف دیگر به دلیل آنکه این ابزارهای مالی و پولی، موجب گسترش حجم پول از بعد اعتباری نه حقیقی خود می‌شوند در صورت نبود نهاد‌های مناسب دامنه و گستره بحران‌های برآمده از آن‌ها نیز بسیار گسترده‌تر از بحران‌های مالی و اعتباری گذشته خواهد بود. مسئله‌ای که در بحران مالی سال ۲۰۰۸ به شدت در کشور‌های صنعتی مشاهده شد. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان بیان داشت که به نظر می‌رسد مهم‌ترین بخشی که اقتصاد کشور ما در حوزه‌های مختلف به ویژه تولیدات صنعتی و کشاورزی با چالش مواجه ساخته است سیستم پولی و مالی است و در این میان بانک‌ها به عنوان مهم‌ترین سازمان اجتماعی این حوزه به دلیل قواعد و نهاد‌های ناکارآمد مدیریت‌کننده فعالیت‌هایشان، اصلی‌ترین عامل خون‌رسانی ناقص به بخش‌های تولیدی کشور هستند. یقیناً در این میان بانک مرکزی مقصر اصلی خواهد بود و زمانی که برخی از قواعد پولی و مالی مصوب این بانک، فعالیت‌هایی را مجاز، غیرمجاز و یا ضروری می‌داند که کارکردهای مخالف حمایت از تولید در داخل کشور را پیگیری می‌کند نباید حتی در صورت کارکرد مناسب دیگر بخش‌های اقتصاد کشور انتظار کسب نتایج قابل توجهی را از بخش تولیدی کشور به ویژه در حوزه تولیدات صنعتی و کشاورزی داشت.

